

با اتحاد و پایداری میتوانیم توپنه و تجاوز امریکارا درهم بشکنیم

درود و افتخار بر زنان حماسه آفرین ایران که در جبهه و پشت جبهه، در برابر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدوران بعثی، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند

تجاوز ارتش مزدور بعث عراق به خاک سپردن ما، مردم را یکنه و ویکارچه، در سنگر دفاع از استقلال کشور، دفاع از انقلاب جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

انقلاب ایران شخصیت واقعی زن ایرانی را که سالیان دراز در برابر هجوم خرب فرهنگ نواستعماری، رنگ باخته بود، به روی باز گرداند و زنان در جریان انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، به قله بلوغ سیاسی دست یافتند و حیا و عفت فراموش نشدنی از ایشان و بیکار و پایداری آفریدند. اکنون یاد دیگر زنان، زمان، نهایت شخصیت زن ایرانی است.

در جبهه‌های جنگ در جنوب و غرب کشور، زنان و دختران پاسدار، هنر، ارتش، اعضاء جهاد سازندگی، کارگر، دهقان، دانشجو، دانش آموز، فرهنگ کارمند، پزشک، پرستار و خانه‌دار همه توان و کارآیی انقلاب خود را در خدمت دفاع از مرز و بوم خود و تکلیفی از استقلال و شرف و عزت آن بکار گرفته‌اند و مهرانس از خطر، به بیکار با دشمن پلیدی برداشته‌اند که مبین ما را زنده امپریالیسم مردم ما را ذلت پذیر و خوار می‌خواهد.

در جنوب کشور، زنان و دختران، سنگر بیستگرم، محله به محله و خانه به خانه، از شهر و دیار خود در برابر مزدوران بعثی دفاع میکنند. زنان از پیکر خود و سلاح خود، به دور شهر خود، محله می‌کنند. **بقیه در صفحه ۲**

به فعالیت دامنه‌داری دست زده، تا بتواند لزوم حفظ تنگه هرمز برای تامین امنیت جریان نفت، به موم دولتهای اروپای غربی را شرکت مستقیم در این ماجرای طرناک و اداورد. ماسکی وزیر خارجه امریکا برای اینکه نشان دهد که «چتر» حمایتی امریکانان چه اندازه گسترده است، تهدید کرده که اگر تنگه هرمز بسته شود، آنگاه دولت امریکان نیروی صدهزار نفری «واکتش سریع» را به منطقه گسیل خواهد داشت.

ضمنا دستگام تبلیغاتی امپریالیسم، کارزار تبلیغاتی عظیمی علیه «رژیم خمینی» برپا انداخته است. علاوه بر دروغ پراکنی‌های انصار گیسخته‌رادپوها، تلویزیونها و مطبوعات و همه خبرگزاری‌های کشورهای امپریالیست تمام مزدوران و خائنین از قبیل بیکین‌ها و ساداتها **بقیه در صفحه ۲**

شدن انقلاب «حکومت آزاده» را خواهد شد و این «حکومت آزاده» ابتدا از جانب رژیمهای دستت امپریکا و سپس از جانب خود امریکا و متحدان او در ناتو برسمیت شناخته خواهد شد و بدینسان يك سيل ضدانقلابی «پرس» که بتواند پول و اسلحه دریافت دارد، تشکیل خواهد کردید.

مجموعه این عملیات زیر «چتر» نیروهای امریکانی، که در منطقه خورمیانه، آبهای مجاور ایران، دریای عربی و اقیانوس هند، با استفاده از پایگاههای نظامی امریکانی در مصر، کیناسومالی، عربستان سعودی، بحرین، عمان، دیه‌گوگاریسیا، استقرار یافته‌اند و شامل گروه بزرگی ناو و یگانهای از نیروهای «واکتش سریع» اند، انجام میگردد. برای اینکه این «چتر» حمایتی گسترده‌تر و کارآفر باشد، امریکا در این ترونها

توطئه امریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران، پس از شکست طرح «نورسبز» (طیس) و شکست کودتای ۱۸ تیرماه اینک بشکل تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق به مرحله اجرا گذارده شده است. این تهاجم جزئی از طرح توطئه بزرگی است و هدف آن ایجاد يك پایگاه منطقه‌ای برای نیروهای ضدانقلابی «ایرانی» است، که در عراق و مصر و عمان و پاکستان تشکیل و تجهیز و آماده شده‌اند. این پایگاه منطقه‌ای قرار است یا از طریق صرف و تجزیه بخشی از خاک ایران در غرب یا جنوب غربی ایجاد گردد و یا، اگر نشد، با استفاده از جلب نیروها و توجه جمهوری اسلامی ایران به نوار مرزی، که در آن عراق به تهاجم برداشته، در بلوچستان بکک رژیم ضیاء الحق ایجاد شود. طبق طرح امریکا، در پایگاه منطقه‌ای



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۵
مشتبه مهر ۱۳۵۹، به: ۱۵ رتال

نبرد در پشت جبهه نیز باید بایگیری، استحکام و دلیری ادامه یابد

توطئه‌های ضدانقلاب، باید همواره در حمله‌ای هتباری و آمادگی قرار داشت باشند.
ضدانقلاب در این روزهای نبرد مرگ و زندگی، از انواع شیوه‌ها و وسائل، که در زرادخانه ضد انقلاب در سراسر جهان بوده و **بقیه در صفحه ۲**

بدر زود، و لاتیله در صورت جرئت ضدانقلاب به اظهار وجود، در نطفه سرکوب و تلاش کرد.
پاسداران انقلاب، کینه‌ها و بیخ مستخفین دوش، بدوش نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، آن عمده‌ترین سده‌های هستند که، بنیابیه تقسیم انقلاب در قبال

ایران بر امریکا و رژیم صدام، مزدور امریکا، تعقیب میشود، ولی در هر بخش وظیفه مشخص و مشخص باید حل شود.
عمده‌ترین وظایف پشت جبهه‌ای در بخش اقتصادی جبهه خودی (یعنی در داخل کشور) عبارتست از:

این بزرگترین و مهمترین وظیفه‌ایست که تاریخ در برابر نسل امروز مردم ایران قرار داده است. پیروزی در این نبرد مستقیم سازمان دادن پیروزی است و این سازمان دهی نه تنها نظامی، بلکه همچنین غیرنظامی، نه تنها در جبهه، بلکه همچنین در پشت جبهه نیز باید باشد.
«پشت جبهه» مرکب از دو بخش است: ۱- بخش اقتصادی جبهه خودی و ۲- بخش آسوی جبهه دشمن.
گریه از جانب مردم ایران در هر دو این بخش‌ها یک هدف واحد، یعنی تامین پیروزی جمهوری اسلامی

جنگ تحمیلی که بدست رژیم جنایتکار بعثی و دستورات امریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران آغاز شده، يك درگیری تصادفی و گذرا نیستی از اختلافات مرزی و ایامقولات دیگر از این قبل نیست. این جنگی است ناشی از تضاد آشتی‌ناپذیر میان حق و باطل، نور و ظلمت و خلق و امپریالیسم. این تضادی است تاریخی، که در این نبرد زمان و در ایام سراسر جهان مرکز تله‌سره سر نوشت بشر است. انقلاب شکوهمند ما، جمهوری اسلامی ما و خلق رشید ما باید در این نبرد تاریخی پیروز شویم.

میهن

امروز ایرانی می‌تواند این واژه مقدس میهن را احسان کند. اکنون دیگر ایرانی برای امریکا و انگلیس، شاه و مالک، سرمایه‌دار و دیگر انگل‌های ایتنما می‌شود. جنگ، برای خاک، استقلال، آزادی و انقلاب خود می‌جنگد. جنگ او عادلانه است. دفاع در برابر تجاوز است. دفاع از میهن و از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز و توطئه ارتجاعی و امپریالیستی. جنگ او جنگ خلقی است. توده‌ها در آن با آگاهی و اشتیاق شرکت می‌کنند.

یک جنگ خلقی برای میهن علیه فاشیسم و امپریالیسم! مشوم جنگ عادلانه جز این نیست.

ما برای جنگ انقلاب نکریم. هر انقلابی اصیل شیفته صلح و برادری است. ولی در برابر فرمان دشمن که می‌گوید: تسلیم شو تا برده‌ات سازم! تنها یک پاسخ شرافتمندانه وجود دارد: می‌جنگم تا استقلال و آزادی خود را حفظ کنم.

جنگ خلقی، جنگ میهنی، جنگ عادلانه: زمی افتخار بکسانی که در این جنگ با تمام ایشان شرکت کرده‌اند!

شگرد جدید پیروان خط برژینسکی

چهل سال قبل بانکار شخصی بنا به پیش‌خلاق» تاسیس گردید. طبق آنچه ادعا میشود، هدف که این حزب برای خود اعلام کرده، «وحدت اعراب» و «انتراکیه» (یعنی «سوسیالیسم») را وسیله رسیدن به این هدف قرار داده است. یعنی این حزب شکل را - که «وحدت» اعراب و مسئله قوم غریبه هدف و محتوی اجتماعی را - که «سوسیالیسم» است. وسیله اعلام کرده است و این آشکارترین معیار آن «سوسیالیسم» است که حزب بعث مدعی ایجاد آن بوده است.

«امپریالیسم خبری» بره‌تند و خود جویای حقیقت باشند، که بر شک با انکار بر وجدان و شرافت خود، این حقیقت گه شده رایز خواهند یافت.

ولی گمان دیگری هستند که خود گسترندگان دام خط برژینسکی» هستند و برای این کار ماموریت دارند. این‌ها باید بشناخته دشمنان انقلاب ایران قدم بگذارند. اینان دشمنان خانگیند و گاهی خطرناکتر از دشمن بربرده، که در سنگر خصومت دویاری انقلاب ما ایستاده است.

خصومت در ایران علیه این دشمن موهوم و بدین ترتیب محروم ساختن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از عمده‌ترین دوستان صدیق و مدافعان خود در سطح جهان و بدین وسیله منفردتیا ساختن جمهوری اسلامی ایران در مقابل جبهه وسیع همه امپریالیستهای جهان و نوکران و عمال و همدستان آنها و در نهایت امر کشاندن این جمهوری به لب پرتگاه ناکامی. برای رسیدن به این هدف، از انواع راهها و وسائل و شیوه‌ها استفاده میکنند: برای کشورهای سوسیالیستی پرونده می‌سازند، پاپوش میدوزند، دروغ می‌گویند، اتهام می‌زنند و شایعه می‌پراکنند. میکوشند سوسیالیسم را از اعتبار ساقط کنند و برای هجوم به اتحاد شوروی حتی از استعمال اصطلاحات ساخته و پرداخته «ماتویشها از قبیل «سوسیال - امپریالیسم» و غیره نیز پاکی ندارند.

هر روز با وضوح بیشتری آشکار میشود که علاوه بر تهاجمات نظامی و مناسره اقتصادی و انواع تخریات دیگر، که بدست و دستورات امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام میگردد، طرح خطرناک دیگری نیز علیه جمهوری اسلامی ایران بر دیزی شده و در دست اجراء است. خلاصه این طرح شیطنی عبارتست از: کوشش برای جدا ساختن جمهوری اسلامی ایران از دوستان صدیق خود و در نوبت اول از جهان سوسیالیسم و اتحاد شوروی و به افراد و انزوا کشاندن جمهوری اسلامی ایران. طراح این نقشه پلیده برژینسکی مشاور امنیتی کاخ سفید است. پس از آغازگری هتق که چندی قبل از جانب آقای بنی‌سدر رئیس جمهوری در برلا ساختن این طرح انجام گرفت و برداشته شد، يك اصطلاح بسیار واقعی و بیجا در محافل سیاسی و مطبوعاتی کشور ما بوجود آمد، که «خط برژینسکی» نام گرفت. هدف خط برژینسکی» بسیار ساده است: شش‌ساختن افکار عمومی مردم ایران و زمامداران جمهوری اسلامی ایران، معرفی کردن کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی به مثابه دشمن انقلاب ایران، ایجاد کمبورت و بمسردی و در نهایت

یکی از دستاویزهای که اخیرا بمناسبت تهاجم رژیم صدام جانی علیه جمهوری اسلامی ایران، مورد استناد پیروان «خط برژینسکی» قرار گرفته، اینست که، می‌گویند: حزب بعث حزب «سوسیالیستی» است! پس این، «سوسیالیسم» است که به ایران حمله کرده است و نه امریکا و امپریالیسم! و نتیجه گیری نهی: لذا «سوسیالیسم» دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است! پس: مرگ مر سوسیالیسم» و همه هواداران! و... امپریالیسم بر گناه است! و این، آسان و ریمان است! ویم باقی است. آری، اسم کامل حزب بعث چنین است: «حزب بعث سوسیالیست عربی» و قریب

بنا به پیش‌خلاق» تاسیس گردید. طبق آنچه ادعا میشود، هدف که این حزب برای خود اعلام کرده، «وحدت اعراب» و «انتراکیه» (یعنی «سوسیالیسم») را وسیله رسیدن به این هدف قرار داده است. یعنی این حزب شکل را - که «وحدت» اعراب و مسئله قوم غریبه هدف و محتوی اجتماعی را - که «سوسیالیسم» است. وسیله اعلام کرده است و این آشکارترین معیار آن «سوسیالیسم» است که حزب بعث مدعی ایجاد آن بوده است.

این همان «خط برژینسکی» است. کسانی ندانسته و بمسرومانه در دام «این خط» گرفتار می - شوند و جزایه این گونه افراد نیست که، مفر خود را از دروغهای که در دوران شحوس پهلوی در باره سوسیالیسم شنیده‌اند، خالی سازند و خود را از اسارت «آسوتیتید پرس» و «یونایتد پرس» و «وودویر» و «فرانس پرس» و دیگر ضایع

بنا به پیش‌خلاق» تاسیس گردید. طبق آنچه ادعا میشود، هدف که این حزب برای خود اعلام کرده، «وحدت اعراب» و «انتراکیه» (یعنی «سوسیالیسم») را وسیله رسیدن به این هدف قرار داده است. یعنی این حزب شکل را - که «وحدت» اعراب و مسئله قوم غریبه هدف و محتوی اجتماعی را - که «سوسیالیسم» است. وسیله اعلام کرده است و این آشکارترین معیار آن «سوسیالیسم» است که حزب بعث مدعی ایجاد آن بوده است.

منافع جامعه انقلابی بر منفعت فرد و خانواده مقدم است

باید کوشید که معیار قضاوت خودخواهانه و فزون‌خواهانه مصرفی، جای خود را به معیار قضاوت جامعه دوستانه و خلاقیت تولیدی بدهد

فراخوان کمیته مرکزی حزب کهونیست عراق

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شکر و جدید...

اینکه در جهان امروز بسیاری از دولت‌ها، احزاب، گروه‌ها و جریان‌ها می‌کوشند از این جاذبه جهانی سود خود استفاده کنند. صرف نظر از میان واقع‌بینان مومنان به مومسالیست، برخی از آنها بابتی پاک و منزه این نام را بر خود می‌گذارند و بقدر توانائی خود می‌کوشند مومسالیست واقعی را در کشف و واقع‌بینان مومسالیست باشند و در این کار پیگیرند. ولی برخی دیگر نام مومسالیست را برای بدنام کردن مومسالیست به‌کار می‌برند. لکن باید هر اسمی را با صحت دانست و جو را در تورم‌گند نماند دید.

مومسالیست علم است و مکتب است و مومسالیست‌ها «انواع» ندارند. مومسالیست واقعی فقط یک نوع است و آن مومسالیست علمی است که هرگز، انگلی و ژین بیانی شوریک آنرا کشف کرده‌اند و هم‌اکنون ۶۳ سال است که در جهان موجود است و اتحاد شوروی نخستین و بزرگترین

نمونه آنست. همه «انواع» دیگر مومسالیست یا کشت ساده‌اند. اینست بسوی جاذبه جهانی نظام اجتماعی مومسالیستی و یا پرده پوشاندن ماهیت ضد خلقی یک رژیم متغیر. مثلا حزب فاشیستی هیتلر هم حزب مومسالیست است. مومسالیست کارگری آنست که نام داشته که هم کلمه مومسالیست و هم کلمه «کارگر» را برای تضخیر و تحقیر مردم زحمتکن آلمان بخود بسته بود، ولی در عمل همه جهان‌دید که هیتلر بزرگترین دشمن نخستین دولت مومسالیستی و کارگری - دهقانی جهان بود و برخلاف ناسی، منافع هادترین جناح سرمایه‌داری امپریالیستی آلمان را مورد اجرا می‌گذاشت. آنها که می‌کوشند شجره مومسالیستی را برای مصادم فاشیست بسازند، آیا هم باین سؤال اندیشیده‌اند که اگر این عنصر مومسالیست است، پس چرا کمونیست‌های عراق این بیرون صدیق مکتب مومسالیست علمی را صدق مکتب قتل‌عام می‌کنند؟ این چگونه مومسالیست است که از ملک حسین، نوکرزاده مومسالیست هم گذشته و با این وقاحت و بی‌ترسی دستورات کارتر، سر زاندارم امپریالیست

جهانی را اینا می‌کند؟ اسم بر مسمی در جهان امروز قرار است: جمهوری اسلامی پاکستان، حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست چین و حزب مومسالیست صدام حسین و دهها نمونه دیگر. از آنجا که وجود کلمه مومسالیست را در ترکیب اسم «حزب» بهانه حمله به مومسالیست بهانه حمله به مومسالیست قرار داده‌اند و منا را یکبارگی گذاشته‌اند باید پرسید که در این ترکیب، سوی صفت «مومسالیست» دو صفت دیگر هم که «دین» و «مهر» است وجود دارد. چرا مترجمین فقط صفت مومسالیست را زیر میکروسکوپ گذاشته‌اند و در همه صیغه‌ها تصریف می‌کنند؟ البته ما هم صفت «دین» و «مهر» را برای مصادم با مومسالیست در مباحثات ملاقاتی در اطراف ظواهر و اسامی رانیده نادستی میدانیم.

ما همچنین از بیرون فقط بر «زیکی» سؤال می‌کنیم که: شما اگر حسن‌نیت دارید و قاضی عادل هستید، چرا مومسالیست و آنها موجود در جهان را گذاشته‌اید و جنایات کسانی را که کلمه مومسالیست را برای هر منظوری به‌کار می‌کنند،

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیگالی) ضرورت انقلاب ایران است

با اتحاد...

دلیل مومسالیست مومسالیست قلمداد می‌کنند؛ چرا مومسالیست واقعی راه که لرزه بر اندام امپریالیست انداخته و چون صدی سده در پشت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران یا بر جای نمانده است، پشت کوشش تان مراندازید و جنایات صدام حسین جوجه فاشیست را بعنوان نمونه عمل مومسالیستی به رخ مردم می‌کشید و چرا در بحث همین حزب بحث هم فقط حزب بحث عراق را می‌بینید و حزب بحث سوریه و سازمان جبهه‌های ملی را که آنها هم صفت مومسالیست در ترکیب نامشان هست، ولی برخلاف رژیم جنایتکار صدام، دوست و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران و ضلع جبهه پایداری علیه اسرائیل هستند ندیده می‌گیرید؟

آری، فرض آدمی را کور می‌کند. و گوری ضد مومسالیستی، کوری بسیار خطرناکی است که آغوش به «خطر زیکی» می‌انجامد.

بر بیرون آگاه‌خبر زیکی حرجی نیست. آنها مامورند و ممتوری. حشدار ما به نام مومسالیست است که در دام خط برزیکی می‌افتند. دوستان! دیدگان خود را باز کنید تا در این دام نیفتید.

بقیه از صفحه ۱

و همه فتنه‌های رژیم سرنگون شده «آریسمری» از نوع بختیار و اوس و پالیزیان و زاهدی و اشرف و دیگران درد مصلحانه گرفته‌اند و همه یا هم، هر یک بر مانی، دلمینان می‌دهند که عراق در جنگ با ایران فتح کرده و فتح خواهد کرد و خر آقاییه سر منزل مقصود خواهد رسید. این جنگ تبلیغاتی - روانی، هدفش تصفیح روحیه خلق انقلابی و قهرمان ماست، تا بدین وسیله بتوان زمینه اجرای توطئه بزرگی را، که شرح آن رفت، آماده ساخت.

ولی هر چند توطئه بزرگ و خطرناک است و آمریکای جنایتکار تمام توانائی خود را برای اجرای موفقیت آمیز آن بکار انداخته است، ولی این توطئه نیز به همت خلق قهرمان ما، با نقاب کاری نیروهای مسلح از جان گذشته ما، با بیخ تمام امکانات عظیمی که کشور ما داراست، شکست خواهد خورد.

شکست جنگ برق‌آسای عراق نخستین گام در رامپوزی است. صدام خود فروخته تصور می‌کند که با یک حمله ناگهانی هوایی خواهد توانست فرودگاه‌های ایران را درهم بکوبد و همزمان با یک یورش، خواهد توانست بخشی از خاک کشور ما را تصرف کند. این نقشه با شکست دربرو شده و اکنون جنگی در گرفته است که عراق علم تلخ اجرا می‌چند.

در همین چند روزی که از آغاز تهاجم نظامی رژیم مزدور یعنی عراق و در گرفتن جنگی گزیده برخلاف تصور طراحان آمریکائی توطئه، بنوعی باز معلوم شده است که نه فقط صفتی در روحیه نیروهای مسلح ایران و در روحیه مردم ما رخ نداده، بلکه برعکس روحیه نیروهای مسلح، روحیه مردم، در سراسر کشور، چنان بالا رفته و عزم توده‌های میلیونی مردم برای مقابله با دشمن چنان جزم شده، که هر دو روزی قیام عمومی خلق برای سرنگون کردن رژیم طاغوت، نظیر ندانسته است. راهپیمائی عظیم روز اول مهرماه که در پیام از صمیم جوشید و خروشید، نمونه‌ای از این روحیه عالی انقلابی توده مردم بود.

در جبهه جنگ، همکاری سلحشورانه مردم با نیروهای مسلح رزمنده، شبانه‌روزی، همه جانبه و شورانگیز است. برعکس تصور دشمن، معلوم شد که کشور چنان‌بازانه انقلابی، همچنان حاکم بر کشور است و همه افراد خلق ایران در برابر خطر متحدند و متحد خواهند رزمید.

طراحان آمریکائی توطئه، از برخی کوششهای بی‌وزروازی لیبرال ایران، که در جهت انحراف افکار از دشمن اصلی - آمریکا بصل آورده و می‌آورد و از برخی تفلاحتی که در جهت تیره کردن روابط با اتحاد شوروی

درد و افتخار بزنان حماسه آفرین...

بقیه از صفحه ۱

خود، خانه خود دیوار و بارو کشیده‌اند، همراه برادران و همسران و فرزندان خود متجاوز را به عقب می‌رسانند. آفتاب سوزان و گر گرفته جنوب، عشق به استقلال را به عظمت خورشید در دل مردم قهرمانان این خطه و از جمله زنان و دختران پرورده است و این عشق بزرگ، امروز در لحظه خطر، به صورت دفع جمعی مردم از زادگاه خود تجلی می‌کند یافته است. و این نه فقط مردمان جنوب، که مردم سراسر ایران چنین‌اند.

در جبهه غرب، زنان دلاور کرد در کنار برادران همتگر خود، به پایداری در برابر بمب‌های متجاوز عراق، این سلاحان آمریکائی خونخوار ادامه می‌دهند و تا پایانی ایستادگی و قربانی می‌آفرینند. و این نه فقط زنان غرب کشور، که زنان سراسر ایران چنین‌اند.

زنان ایران یکبار برای همیشه دریافته‌اند که امپریالیست، سرکردگی امپریالیست آمریکا، بزرگترین دشمن میهن‌شان است. استقلال مرز و بومشان و حقوق و شخصیت انسانی‌شان است. باید این دشمن را از خاک خود راند تا استقلال داشت، تا حقوق و شخصیت خود را بازیافت.

زنان ایران یکبار برای همیشه دریافته‌اند که معنای زندگی جز در و نهادن پندها و زنجیرها، دست‌یابی به استقلال و رهائی و نفس در آزادی نیست، و اکنون که تعداد ختم توده‌ها علیه امپریالیست آمریکا و مزدوران بیعت در زمین و آسمان و دریا به حرکت درآمده، زنان مانند تمامی مردم ایران زندگی را در مرگ و بویوت را در شهادت می‌یابند و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را وظیفه نخستین خود می‌شمارند.

زنان و دخترانی که هم‌اکنون در جبهه‌های جنگ، در زیر آتش دشمن سلاح برکف به نبرد حماسه‌آمیزی می‌نمایند، می‌دهند، زنان و دخترانی که در پشت جبهه مجروحین را درمان می‌کنند، زنان و دخترانی که از خانه و کاشانه خود دفاع می‌کنند، زنان و دخترانی که به پاسداران مسلح‌شور و سربازان آمرسان دلاور ترس‌ناک می‌رسانند، همه و همه وظیفه خطیر خود را که دفاع از کشور و انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن است، به درخشانترین وجه به انجام می‌رسانند.

نبرد با امپریالیست آمریکا و رژیم مزدور یعنی عراق همه مستبازان و دست‌نشانندگان امپریالیست آمریکا، درختندگی و انجام شخصیت زنان ایران را در کوره و یکار قرونی خواهد بخشید.

درد پرشور ما بزرگان و دختران دلاور پاسدار، همتا و ارتقا! درد پرشور ما به همه زنان و دخترانی که در سرتواری جنگ از مین انقلابی خود دفاع می‌کنند!

افتخار بزرگان و دخترانی که در پشت جبهه، زندگی خود را وقف نبرد با امپریالیست آمریکا کرده‌اند!

درد بر ملذاتی که پارهای قلب خود را به جبهه نبرد فرستاده‌اند، تا استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی ایران حفظ شود! زنان و دختران ایران!

نبرد با امپریالیست سلطه‌جوی آمریکا دست نشانندگان آن، نبردی سرنوشت‌ساز است. که آینده مین ما و یک‌یک هوپلمان ما را رقم خواهد زد. بکوشیم تا با شرکت هر چه بیشتر و موثرتر در این نبرد مرگ و زندگی، بی‌روزی ظلم و نهبانی انقلاب و صبر روزی خود و مرز و بوم خود را تضمین کنیم.

نبرد در پشت...

بقیه از صفحه ۱

هست، استفاده می‌کنند: شاید بر آکمی، ایجاد احتکار و تصدیع کپیو کلا در بازار، ایجاد صفتو تصدیع گران، ایجاد اختلال در کار ادارات و مرستات تولیدی و توزی و خدماتی، این‌ها فقط بخشی از شیوه‌های «سالمت آمیز» ضد انقلابیست. ولی فرورد، انفجار، آتش‌سوزی، خیال‌تهاجم به مراکز حساس مملکتی نیز در برنامه ضد انقلاب وجود دارد، که برای اجرای آنها مترصد سیر حوادث و بیست آوردن فرصت است. باید با بیداری و هشیاری اعمال ضد انقلاب را زیر نظر گرفت و آنها را بوقوع ختم ساخت.

وظایف جبهه‌های دیگری نیز در داخل کشور می‌توان بر شمرده. نیل به اجرای این وظایف فقط به پیش شرط، حتم الوصول است:

اولا اعتقاد عمیق به حقانیت انقلاب ایران و حقانیت جمهوری اسلامی ایران.

لایله نفرت عمیق و با تمام وجود به امپریالیست آمریکا و متحدان و نوکرانش.

لاکله اعتماد به خلق و به نیروهای خلقی و احتراز از هرگونه تنگ‌نظری در قبال این نیروهای صدیق و یا افتادن در دام مرز بندی‌های نادرست در داخل نیروهای خلق، که جز تصفیح انقلاب و پشتیبانی نتیجه‌ای بی‌ارسی آورد، و اما درباره وظایف پشت - جبهه‌ای در آسوی مسترگشتن (یعنی در داخل عراق) باید بگوئیم که، رهبر انقلاب، امام خمینی، در پیامی که برای ارتش و مردم عراق فرستادند، خطوط اصلی این وظیفه را معین کرده‌اند. این وظیفه‌ها گانه‌ای اجرائی و سازمانی سیاسی کشور است که، اجرای رهنمودهای امام خمینی را سازمان دهند.

در این امر نیز آنکه به خود خلق عراق، که در زیر سلطه رژیم دیکتاتوری صدام رنج می‌برد و برای رهائی از جنگال این سفاکان جویای

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هواداران حزب توده ایران در کشتان جمع‌آوری شده در جشن تولد سر در بم ۵۲۰۰ ریال

ملاصدان می‌توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام قمر گرشوریه شماره ۴۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی) خیابان شهید دکتر حسین قاضی مرادزند.

توضیح

دروز نامه مردم، بملت خاموشی برق، در چهار صفحه انتشار یافت. خوانندگان گرامی حتما به این مسئله توجه کرده‌اند و حشاشناقم خواهند داشت.

هواداران حزب توده ایران در کشتان جمع‌آوری شده در جشن تولد سر در بم ۵۲۰۰ ریال

ملاصدان می‌توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام قمر گرشوریه شماره ۴۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی) خیابان شهید دکتر حسین قاضی مرادزند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هواداران حزب توده ایران در کشتان جمع‌آوری شده در جشن تولد سر در بم ۵۲۰۰ ریال

ملاصدان می‌توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام قمر گرشوریه شماره ۴۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی) خیابان شهید دکتر حسین قاضی مرادزند.

کارگران کوره پزخانه زمانی فقط کار دارند و دیگر هیچ

کوره پزخانه زمانی در "عمرکلا" (پاسزده - کیلومتری بابل) قرار دارد. صاحب این کارخانه بهدار پیروزی انقلاب، توماری شده است، ولی این کارخانه وقت زیادی از ثروت او تاکنون دست نخورده باقی مانده است. این کارخانه اکنون در اجاره یکی از بستگان زمانی است.

تولید کارخانه قبل از انقلاب، بین ۱۹ الی ۲۳ میلیون بود، ولی بعد از انقلاب به میزان ۷ الی ۸ میلیون کاهش یافته است. تعداد کارگران در تاسیسات بیش از یکصد نفر و در زمان حدود سی و پنج نفر است.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران تلاش زیادی برای طی کردن کارخانه به کار بردند، ولی عکس العمل کارفرما در این جریان، اخراج کارگران قدیمی و استخدام کارگران جدید بود. در ضمن از تعداد کارگران نیز کاست و این امر سبب کاهش تولید شد.

مدت بهشت و پنج سال است که از تاسیسات این کارخانه می گذرد. طی این مدت هیچ یک از توانمندی وزارت کار در آن رعایت نشده است. اگر کارگری خواستار رعایت و بهداشت کردن قوانین کار بود، ملافاصله اخراج می شد. اداره کار هم تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده و عملاً "دوندگی کارگران برای احقاق حقوق خود، حاصلی جز یک یا چند روز بیکاری نداشته است. به طوری که کارگران دیگر از سرزدن به اداره کار پشیمان شده اند.

این کوره پزخانه مانند اردوگاه اجباری است. استثمار و بهره کشی کارفرما از کارگران به حدی است که تنها با تماس دائمی با آنها می توان آن را لمس کرد. یکی از مشکلات کارگران، روز مزد بودن آنها است. کارگران همواره تلاش می کنند تا با کار بیشتر، محصول بهتر و سالم تری عرضه کنند. از لحاظ وضع بهداشتی، محیط کار بسیار کثیف است و کارگران به علت آن که همیشه با گردوغبار سروکار دارند، اغلب به بیماری های تنفسی و کم خونی و بیماری های دیگر مبتلا هستند.

کارفرما برای استثمار هر چه بیشتر کارگران، از شیوه های کثیفی استفاده می کند. یکی از آن شیوه ها اجیر کردن کسانی است، که کارفرما با دادن امتیازهای از قبیل حق بیمه و اضافه حقوق و... آنها را در مقابل کارگران قرار می دهد و حتی در صورت لزوم آنها را به جای کارگران زمین کن می اندازد.

ماه سرخ یکی از کارگران، که در حال آوردن آجر از کوره بود، رفتیم او تقریباً پنجاه ساله بود، پوست دست های او بر اثر کار زیاد کلفت شده بود. از او پرسیدیم: اسم شما چیست؟ پاسخ داد: "سرو قهرمانی". بسیار صاف کرد: "آقا بنویس که ما هیچ چیز نداریم. اصلاً اینجوراه اندازیم. خودتان نگاه کنید و ببینید حتی چه می گویید که از راه ما هم اینجاکار می کنید، ولی در مقابل کارمندی، نمی از حقوق را دریافت می کنید. ما هر وقت که خواستیم کاری به نفع خودمان انجام دهیم، آن دو سه نفر مزدور بهین ما اختلاف انداختند. پرسیدیم: آنها شورا و یا سندیکا دارند؟ گفت: "نما چون کارفرما با این چیزها مخالف است. چندی پیش یک نماینده انتخاب کردیم که به کار مارتسیدگی کند، حتی به اداره کار هم موضوع را گزارش دادیم، ولی چند نفر مزدور، ضمن مراجعه به اداره کار گفتند که این آقا نماینده ما نیست. آنها فقط چهار نفر بودند، در صورتی که ما بیست و پنج نفر بودیم.

سین نزد پیرمردی، که روی ماشین خشت زنی کار می کرد، رفتیم. از او پرسیدیم: پدر نام شما چیست؟ گفت: "جلیل پرهیزگار". بهر مرد حدود چهل و پنج سال دارد. بسیار کتک به نظر می آید. او اصلاً دندان در دهان ندارد. بسیار ضعیف و خمیده است. پرسیدیم: پدر چند سال است که اینجا کار می کند؟ گفت: "بیست و سه سال است که اینجا کار می کنم. سخت ترین کارهای اینجا با من است، از قبیل بنایی، عملگری و حالا هم می بیند که روی این ماشین کار می کنم. تازه بعد از این هم مال، حقوقم نده روزی هشتاد تومان، یک روز به کارفرما گفتم اگر مرا بهشت کنی می روم اداره کار شکایت می کنم. حالا

سین ما به طرف یک خانواده که در حال خشت زدن بودند، رفتیم. زنی در حال خشت زدن بود و چند متر از طرف تر کودکی در حال کره کردن. این زن هر چند وقت یکبار سولی کودکی می رفت و او را آرام می کرد. این خانواده از ۹ نفر زن و مرد و کودک تشکیل می شد. کودکی که کنار دروازه در حال کار بود، از یکی از آنها را جمع به نام و کارش پرسیدیم. گفت: "اسم من محمد جباری است و اهل زابل هستم. یک هفته است که همراه خانواده ام از کتک به اینجا آمده ام و ما مجموعاً حدود چهارصد تا پانصد تومان در روز مزد می گیریم. ما از صبح ساعت ۵ تا ۱۱ و ۳ تا ۸ کار می کنیم. تازه شبها هم باید گل آماده کنیم.

از او پرسیدیم: کجا زندگی می کنید؟ او با دست دغمه ای را نشان داد که کاتافی بود ۲۴/۵ سر وارد اطاق شدیم. دیدیم هیچ وسیله زندگی در این اطاق یافت نمی شود.

کارگران امیدوار بودند که حرف های آنها به وسیله این روزنامه به گوش مقامات مسئول برسد. ما هم نسبتی از زندگی براز درد این کارگران رحمتکش را انتشار دادیم. ما این امید که گاهی از مشکلات فراوان آنها باز شود.

سبوسازان - صنعتگران فراموش شده



استاد کوزه گر: امروز هیچکس بدنتال اینکار نمی رود، چون کار فوق العاده، پر زحمات و طاقت فرسانی است، و در مقابل، مقدار پولی که برای ما می ماند خیلی کم است و سه ماه زمستان هم بیکاریم

"جابه" کله بندی شکل درمی آورد. اساد جابه گل را بر روی چرخ می فرار می دهد و با چرخاندن یک صفحه دایره ای با پا، در حالت سینه، جابه را بر روی یک صفحه کوچک، که با سله به صفحه سرریگی که با پا می چرخد، وصل است. فرار می دهد. سپس با حرکات مخصوص دست و پا رقص بدن و دستان با هدایت فرار، از گل کوزه ای ساخته می شود.

اگر ما به زیبایی هر در برایش در طول تاریخ بنگریم، فکر می کنیم که این کوزه از هر یک دستگاه ترانس، که با دقت محاسبات ریاضی انجام گرفته، درست شده است. درج این جابه صنعت دستی قدیمی را از این جنبش انسان های که با رقص به زیر خاک، تمام مومن و ریاضی این رشته را با خود خواهند برد و دیگر کسی چرخ را نکرده در خواهد آورد.

زندگی و اوضاع معیشتی اساد و پستکار (کارگر) رضایت بخش نیست. پس از مدتی گفتگو با اساد، بالاخره فهمیدیم، حقوقی که پس از سی سال عمر کدما تعلق می گیرد، و روانه ۵۰ تومان برای کارگر و ۸۰ تومان برای استاد است! استاد می گفت:

وزهیجکس بعدنسال این کار نمی رود، چون کار فوق العاده پر زحمات و طاقت فرسانی است و در مقابل، مقدار پولی که برای ما می ماند خیلی کم است و سه ماه زمستان هم بیکاریم

او اضافه کرد که: "حتی حاضر نیستم فرزندانم بعدنسال این کار بروند. آخر آینه های ندارند. در ضمن کمتر کارگری پیدا می شود که به اینکار بپردازد. اگر هم پیدا شود، بعد از مدتی کار می گذارد و می رود و من هم بدون کارگر کاری نمی توانم بکنم. این کارگر را هم که می بینم ناشی و است و جای دیگر به او کار نمی دهند".

رو به رفته استاد و پستکار سست به آینه خود خیلی بیگانه اند. آنها وقتی با اس حفتت روسرو می شوند، که بعد از آن همه کار و ناگذشت سی سال، دست ما بهای ندارند و اس همه آسار به جبری نمی کرد. غم وجود آنها را فراموش می کرد. آنها هیچ پسر اندازی برای اتمام پیری ندارند و از این جهت چه هدایسی می کنند. برای آنها باز نشستی حتی در خواب هم مطرح است.

مواد اولیه کارگاه عبارت است از خاک رس، نمک و هیزم، که برای پختن سفال سفال سفال می آسند. در بعضی از نقاط ایران بهای هیزم از کاروشل برای سوخت استفاده میکنند. اساد می گفت:

"هیزم را خرواری صدویینجاه تومان از بازار می خرم".

با مباداری مطالعه، تحقیقات و رسیدگی به این صنعت دستی سنتی، می توان هم اساد و هم پستکار را به آینه امیدوار ساخت و هم این کتک سنتی را با کتک جدید ترکیب کرد و در احاطه آن کوشد. باید افزود که کاتالیا، همین صنعت عالی بازی را به همان درجه از حد تکامل خود رسانده است که سگی از افلام مهم صادراتی آن کشور را تشکیل می دهد و بدین ترتیب مقدار متناسبی از آن وارد آن کشور می کند. از نمونه های سفال سازی در ایران، در مصارف برق (ابرو لایتر مفرقه) و هم همین انواع و اقسام کاشی ها و شفاف جتی می توان نام برد.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

این کشور و حاصل رسوخ تلاش زحمتکشان این کشور هستند. اساد در اثر بی توجهی فرموده و سهلک نبود و بدون استفاده از این سرود، چون سرچورد می تفاوت سست به این مسائل نمود اعلام است. تاکنون از طرف ارگان های اخلاقی ملایر جهت حل مشکل کارخانه اقداماتی انجام شده و با مامان سر به وزارت صنایع و معادن، وزارت کار، اسناداری معادن و شورای انقلاب نوشته شده است. ولی مامان هنوز اقدامی در جهت حل این مشکل انجام نگرفته است.

اسدوارم معانات مشول هر چه در در حل مشکلات موجود کوشد و این مومنه تولیدی را به کار اندازد.

در قسمت جنوب شرقی زحان، پایین ایستگاه راه آهن دولتی و در زمان ناخ های سز و حرم، در کنار رودخانه سراسی زحان و همچنین هوای پاک کوهسا و دشت های جنوب این شهر، هر روز دو مرد از خانه و کاشانه خود در شهر روانه چهار دیواری قدیمی می شوند و عصرها دوباره پس از شستوی دست ها و باها مطرف شهر بازمی گردند. اسنا برای چه کاری هر روز از شهر خارج می شوند و دوباره به شهر بازمی گردند؟ اگر در هفت این دو نفر محوی نگرسته شود، رنج کار سالمان دراز را در دست ها و صورت آنها خوبی متوان مشاهده کرد. این دو نفر تنها بارمادگان کوزه گری هستند، که به حساب خود ادامه می دهند.

با نگاهی کوتاه به کارگاه این سبوسازان و معال- کران می توان دریافت که این صنعت سنتی ایران، که در حدود پنجاه سال عمر دارد، انکار و ایزین نفس هاش را در زمانی بیست کشته است!

در زحان، قبل از به اصطلاح انقلاب سفید، حدود پنجاه کارگاه کوزه گری وجود داشت، ولی بعد از آن که شهرنشینان اغلب از بجاال استفاده کردند، کارگاه های کوزه گری فقط برای روستاها کوزه می سازند و هنوز هم زندگی و پایدگی این کارگاه در زحان به خاطر مصرف روستاها است. اگر روزی روستائیان قادر به استفاده از وسائل سردکننده برقی شوند، از مصرف کوزه گسته می شود و امروز کارگاه دیگر نمی تواند قادر به ادامه کار خود باشد.

عمده محصولات کارگاه سفال سازی زحان کوزه است. کوزه ها در انواع بزرگ و کوچک ساخته می شود. کوزه ها هر یک ۴۵ ریال به فروش می رسد. از دیگر محصولات سفال سازی، گلدان است. گلدان های حوزو و حور، که برای مصارف شرینی به کار می روند. کارگاه در ضمن طرف کتک سب و فلک هم کم و بیش می سازد. البته با عارض خردسار.

هنگام ورود به کارگاه کوزه گری در اولین نگاه چشم انسان کسی و با چیزی را نمی بیند. اما بعد از این که مدتی می گذرد، چشم خود را با مکان تطبیق می دهد و آنگاه سکو و چرخ کوزه گری دیده می شود. پستکار مشول چانه (۱) کردن گل است و اساد با حرکات دستان خود، در حال درست کردن کوزه است، صما، در وسط کارگاه گل کوزه آماده است. پستکار هر از چندگاهی از این گل آماده به سکوی چرخ می برد و در آنجا با سیم مخصوص گل را به اندازه مورد نظر می برد و بعد با دست مدتی دستمالی می کند و با وزن (۲) می دهد. آنگاه مقابل استاد فرار می دهد.

کارگاه تشکیل شده از یک اطاق ۷x۳،۷۳،۷۳، در به خاطر این که در داخل کارگاه درست نشده، در مواردی که کارگاه سرد است، برای گرم کردن داخل کارگاه سز استفاده می کنند. کارگاه دارای در کوچکی است که هوای کارگاه را کسان نگاه می دارد. تنها تغییرات ناگهانی هوا نتواند ضرباتی به کوزه های پخته وارد کند.

بعد از این که گل به کار، بهی به سبو و گلستان تبدیل شد و به صورت کوزه خام درآمد، آنها را در طاقچه می چینند، تا رطوبت خود را از دست بدهند و دوباره آنها را با ترتیب خاصی در کوزه می چینند. کوزه از دو طبقه تشکیل شده است. طبقه برین برای جمع کردن هیزم و چوب، که به آن آتشخوان کوره می گویند، و طبقه دوم برای انبار کردن کوزه ها به کار می رود.

پس از این که کوزه ها رطوبت خود را از دست دادند، با نظم خاصی در روی آتشخوان، یعنی در طبقه دوم چیده می شوند. سپس آتشخوان را آسادمو کوره را مشتعل می کنند. کوزه گداخته می شود. حرارت نه باید خیلی کم و با زیاد باشد، چون اگر حرارت کم یا زیاد شود، محصول کار با می شکند و با از نظر کیفیت در سطح نازکی قرار می گیرد.

پس از این که خاک رس به عمل آمد، آن را می گویند و پس از الک کردن، نخاله های آن را به دور می ریزند. بعد خاک را به درون کارگاه می آورند و مقداری نمک به آن اضافه می کنند و به کمک آب آن را به صورت گل در می آورند. گل را به پستکار با یالنگد مال می کند و به اصطلاح آن را به عمل می آورد. آنگاه گل رسیده در وسط کارگاه آماده و انباشته می شود، تا به درج به سکوی استاد منتقل شود. در این مرحله با دست گل را "ورز" می دهند و آن را به صورت

(۱) چانه - اصطلاحی است در مورد کوزه گری که گل را به اندازه یک کوزه درست کرده و پس از اسناد می گذارند مانند ناوای

(۲) ورز - یعنی گل را با قدر فشار می دهند تا گل درست خود را بگیرد (پس از لگد مال کردن)

کارگران هم برداخت شد. کارگران که وضع را حس کردند، برای دریافت حقوق قانونی خود به اداره کار شکایت کردند. ولی هنوز موفق به دریافت حقوق و صراهای خود نشده اند.

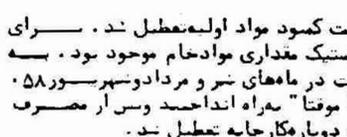
این کارخانه در صورت بازگشایی می تواند به حش از مشکلات کشور پاسخ گوید:

اول این که می تواند چهارصد نفر کارگر را در خود جذب کند و سر در جریان راه انداختن صنعت هاش از اقتصاد مملکت، که هم اکنون به علت ندانسی سم بکل تعطیل شده اند، سهم بهی اعلا کند.

دوم این که می تواند با اندازه ای نامحاصره اقتصادی ایران را تسلا به معالیه کند.

سوم این که حسن ناسیاسی که، سرمایه!

در امر بازگشایی شرکت تولیدی طناب و سیم فولادی بکوشید!



شرکت تولیدی طناب و سیم فولادی ایران در سال ۱۳۵۴ در ملایر تاسیس شد. این شرکت در رابطه مستقیم با موسسه "سرابرون لیمیتد" انگلستان ایجاد شده و موسسه مزبور در این شرکت نیز سرمایه گذاری کرده است.

در مرداد ماه ۱۳۵۷ بهره برداری آزمایشی از چند واحد این مجتمع آغاز شد.

این کارخانه مجهز به پیشرفته ترین ماشین آلات از نوع خود است.

این کارخانه از سه قسمت کارگاهی تشکیل شده است:

- ۱- بخش سم بکل سازی، که قادر به ساخت انواع سم بکل است.
- ۲- بخش توری سازی مخصوص ساختن حصارهای پوری است.
- ۳- بخش پلاستیک، در این قسمت طناب پلاستیکی جهت سته بندی ساخته می شود.

ظرفت تولید کارخانه ۲۲ تن سم توری و ۲۰ تن طناب پلاستیک و ۶/۷ تن سم بکل در روز است. در این کارخانه فلان "صد نفر کارگر کار می کرد و در صورتی که کارگاه با تمام ظرفیت مشمول به کار شود، قدرت مدتی چهارصد کارگر را دارد. این شرکت تولیدی متاسفانه از اول سهم ماه

۵۷، به علت کمبود مواد اولیه تعطیل شد. برای نشت پلاستیک مقداری مواد خام موجود بود. به همین جهت در ماه های شمر و مرداد و شهریور ۵۸، کارخانه را موقتاً همراه اندامند و سر از مصرف مواد اولیه دوباره کارخانه تعطیل شد.

وضع استخدامی و با معیار کارگران در صورت است که کارگرانی که جهت احداث ساختمان کارخانه استخدام شده بودند، پس از اتمام کارهای ساختمانی و معادرتی دوره آموزشی مندره، جهت انجام کارهای فنی به کارگزار شدند.

پس از تعطیل کارخانه، معاینه کارگران جهت حل مشکلات حقوقی که پس از کارفرما و کارگران در اثر تعطیل کارخانه موجود آمده بود، به اداره کار مراجعه و درخواست کمک جهت حل مشکل موجود کرد. این مسئله با همکاری اداره کار ملایر به ناسی ترتیب موقتاً حل شد که، از معادله ۴۰ هر کارگر کارخانه، ۲۰ غرتوسه حساب کردند و از کارخانه بیرون رفتند. تعداد ۱۲ نفر هم مرارند که در صد حقوق از اول سال ۵۸ تا پایان مرداد ماه (مدت ۵ ماه) را دریافت کنند و اگر کارخانه دوباره شروع به کار کرد، آنها هم استخدام شوند. کارگران س از اتمام مهلت مقرر به کارخانه مراجعه کردند، ولی به سبب کارخانه شروع به کار نکرد، بلکه حقوق و مزایای

به وضع اسفبار کارگران کشاورزی شرکت حسین آباد رسیدگی کنید

شرکت حسین آباد، که در حدود ۱۰۰ هکتار زمین مکانیزه دارد، در ۴۵ کیلومتری غرب شیراز در منطقه کوهپایه واقع است. این شرکت از چند سال پیش دولتی شد و زیر نظر شرکت اتکا، که وابسته به ارتش است، برای کارخانه قند کوار کار می کند. شرکت به وسیله یک کمپاین، سه تراکتور، یک یونچر، ۸ تلیمه و دیگر وسایل ضروری کشاورزی، سالانه دو الی سه هزار تن چغندر قند و مقداری گندم جو، بونجه تولید می کند.

شرکت حدود ۳۵ کارگر دائم دارد، که در بعضی از ایام سال به ۵۰ نفر نیز می رسد. آنها با ساعت کار طاقت فرمای روزانه، روزی ۳۰ ریال دستمزد می گرفتند. باور کردنی نیست ولی واقعت دارد. با وجود این دستمزد کم، بسیاری اوقات کارگران را به بهانه کم کاری اخراج می کردند و تمام آنها را زیر رگبار فحش و تکت می گرفتند و به بهانه های مختلف کارگران را آزار می دادند.

گروه پس از انقلاب شکوهمند ما دیگر شوهر-خورد های دستانه ملغی شد و اخراج بی ضابطه صورت نمی گیرد. ولی کارگران شرکت، پس از بازگشت به سمت سال سابقه کار، هنوز بیمه نیستند. آنها مجبورند که بیماری حاصل از شرایط سخت کار را خود با حقوق ناچیز خود معالجه کنند. کمبود امکانات ایمنی و سوء تغذیه موجب انواع بیماری های خطرناک است. که با دستمزد ناچیز قابل درمان نیستند.

کارگران شرکت در ازای ۱۳ ساعت (۶/۵ صبح تا ۷/۵ غروب) کار روزانه، فقط ۴۰ تومان دستمزد دریافت می کنند، که با هیچ منطقی قابل توجه نیست. آنها در ازای کار شبانه، که فاعدا تا باید بیشتر مزد بگیرند، فقط ۲۰ تومان دریافت می کنند. در چنین شرایطی، هر دو هفته یکبار، یکی از کارگران بنام علی کرم، برای حل مسئله بیمه شغری آمد، ولی مسئول مربوطه، که هنوز زیر بار سنگین شوهر طاقتی گذشته هستند، جواب قانع کننده ای به او نمی دهند. شرکت نیز به بهانه اینکه موسسه سود آور نیست، کاری برایشان نمی کند. عدم سودآوری شرکت، به علت سوء مدیریت است. کارگران شرکت آنچه باید انجام بکنند، کار است، که آنها را به شدت هر چه تباختر انجام می دهند.

جلوی خرمین سوزان ضد انقلاب و اهر چه زود تر بگیرید

بعد از انقلاب تا کنون عوامل رژیم طاغوت و شیطان های بزرگ، یعنی سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان به همراهی ابادیشان و ساواکها، برای ضربه زدن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و هم چنین نابود کردن اقتصاد کشور، دست به خرابکاری های بسیار زده و می زنند. ضد انقلاب با ادامه این اعمال جنایتکارانه، می خواهد از یک طرف رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی کشور را کاهش دهد و کشور را دچار بحران اقتصادی سازد. و از جانب دیگر هر روز به درجه نا رضایتی توده های مستضعف نسبت به انقلاب بیاورد.

نخونه اینگونه اعمال در روستاهای میهنمان به صورت آتش زدن خرمین های دهقانان زحمتکش، کما مرق جبین و کار طاقت فرسا محصولات خود را کاشت و برداشت می کنند، بروز می کند. انجام این گونه اعمال در روستاها، فقط فقط به دست عمل خد-انقلاب (بزرگ مالکان، به همراهی ابادیشان و ساواکها) صورت می گیرد، که در کتب شیطان بزرگ درسی موخته اند. نمونه های زیر آن جمله اند: اخیراً ضد انقلاب با به آتش کشیدن خرمین های دهقانان روستاهای گوگه، کنجدهجان (در روستای کنجده جان، ضد انقلاب چهار خرمین را، هنگامی که صاحب خرمینها در خواب بود، به آتش کشیده است) و بدماغ، روابط خصمنه، صحرای حلی حال کارگران را از روستاها در اطراف شهر گلپایگان، بر فعالیت های خود شدت بخشیده است. یکی از این خرمین سوزیها، که بدست ضد انقلاب صورت گرفته است، در روستای گوگه اتفاق افتاد است. دهقانان زحمتکش، که دیگری توانستند از یک طرف ظلم و تعدی مالک را تحمل کنند و از طرف دیگر شاهد سوزختن و از دست رفتن یک سال دسترنج خود باشند، در برابر فرمانداری گلپایگان اجتماع کردند. دهقانان شمار می دادند:

آشورن خرمینها اقدام باید کرد. آنها خواستار رسیدگی فوری مقامات مسئول به این مسئله بودند و اعلامیه ای پخش کردند که در آن مسبب اصلی این واقعه را یکی از مالکان بزرگ منطقه معرفی کردند.

کردمانند - مالک بزرگ همچنین روی پشته های قنات را کشت کرده و از روی پشته ها بدون کاتال کشتی و نهرهای آب عبور داده است. این عمل، خرابکاری دیگری بوده و باعث شده است که چند میلیون تومان خسارت به دهقانان وارد شود. در اعلامیه مزبور، دهقانان ذکر کرده اند که، تاکنون چندین بار شکایت به مقامات مسئول کرده اند، ولی به علت نفوذ مالک در ادارات مربوطه، تاکنون تاکنون احدی شکایت آنان رسیدگی نکرده است. دهقانان گوگه، در پایان اعلامیه خود، خواهان دستگیری و مجازات عامل اصلی این واقعه هستند.

قابل ذکر است که ستاد تبلیغات اسلامی گلپایگان نیز، طی انتشار اعلامیه ای، این اعمال (آشورن خرمینها) را محکوم کرده است و خواستار شناسایی و مجازات متخلفان و قاضی این جریان است. این ستاد در پایان اعلامیه از دهقانان خواسته است که اتحاد و هوشیاری خود را در برابر عوامل ضد انقلاب، حفظ کنند.

مسئولان متعهد و انقلابی!

باید با بسیج نهادهای انقلابی، مانند سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین، جهاد سازندگی و همچنین خود دهقانان زحمتکش و شورایی ده، با طاق فاسد ضد انقلاب را از روستاها برچینید. با تعیین فوری و سریع هیئت های ۷ نفره و اجرای قانون اصلاحات ارضی، ریشه بزرگ مالکان در روستاها خشک می شود. در این شرایط، که شیطان بزرگ و هم -دستانش کشور ما را محاصره اقتصادی کرده اند، اقدام فوری در این باره لازم و ضروری است.

دهقانان زحمتکش!

در این لحظات حساس، که ضد انقلاب می -کوشد با تمام توان انقلاب را نابود کند، شما باید هوشیار و متحد باشید! شما با اتحاد و هوشیاری خود می توانید بنیاد ضدانسانیت ضد انقلاب را خرد کنید، دست خرابکار و آتش افروزان را قطع کنید و به حقوق حقه خود برسید.

دهقانان ایران نیز با آمریکادر حال جنگ اند

ایام حسینی گفت:

دوران در حال جنگ با آمریکا است. بنابراین دهقانان ایران هم به آمریکا اعلام جنگ می دهند تا در این پیکار مقدس، امریالسم جهانخواه، به سرکردگی آمریکا، و سگیزنجیری او صدام حسین راهسزای امسالشان برسانند.

بدون تردید در این پیکار مقدس مردم انقلابی ایران و از آن جمله دهقانان زحمتکش پیروز خواهند شد. نقشه های آمریکا شکست خواهد خورد، صدامها نابود خواهند گشت و انقلاب ایران به پیش خواهد رفت.

دهقانان عزیز!

امریکای جهانخواه و صدام حسین تبهکار، که آلت دست اوست، پیکار دیگر می خواهند مصالح خود و از جمله مالکان بزرگ را به ایران برگردانند. شیطان بزرگ باز می خواهد، پای تودالها را به روستاها بکشد. سرمایه ها بشنید تا پاسخ سبسی به آمریکا و نوکرانش بدهید. برای پیروزی در این نبرد، لازمت رهنمودهای زیرین را بکار ببندید:

۱- فوراً کمیته های دفاع خود را تشکیل دهید و زنان و فرزندان خود را هم در این کار شرکت دهید.

۲- زیر فرمان سپاه پاسداران مسلح شوید و آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران به نهادهای انقلابی اعلام کنید.

۳- در همه جا به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و در آن فعالانه شرکت کنید و دستورهای آنرا عملی سازید.

۴- با پاسداران انقلابی و جهاد سازندگی و سایر نیروهای انقلابی ارتباط خوبی برقرار کنید، آنها را در جریان کار خود بگذارید و همه فرمانهای ایران بکار ببندید.

۵- به اخبار مساعداي جمهوری اسلامی ایران توجه کنید و دستورات آنرا اجرا کنید.

۶- به شایعات دشمن باور نکنید و شایعه سزایان و تفاقاکنان را رسوا کنید.

۷- هرگاه افراد دشمن را دیدید، فوراً آنها را دستگیر سازید و نهادهای انقلابی را خبر کنید.

۸- در مواقع حساس و خطر بیاری سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی پشتیبانید و یا هر -وسيله ای که دارید به آنان کمک کنید.

۹- مواظب اعمال مالکان بزرگ و خرابکاری آنان و اعمال آنان باشید، حتی یقیناً آنها را نگاه کنید.

۱۰- مواظب پشت جیبه باشید، اینها را از نظر راه حفظ کنید، از طپور و داجها و از منابع آبی که ممکنست برای خرابکاری دشمنان خطری آنها را تهدید کند، حراست کنید.

۱۱- به آشنایی که از هوا به زمین می ریزد، دست تریزید و محل آنرا به نیروی انتظامی و سپه پاسداران نشان دهید.

۱۲- یکجوب از خاک و زمین زراعی را بدون شخم و کشت نگذارید، در همه جیبها باید پادشمن جنگید، در خط اول جیبه، یا پشت جیبه، در زمین یا در آسمان، از این نظر کار در مزرعه تفاوتی با نبرد در جیبه جنگندارند.

فراموش نکنید که در صورت اتحاد و هشیاری و مبارزه پیروزی از آن دهقانان است. انقلاب شکوهمند ایران بر تمام مشکلات پیروز خواهد شد و سرانجام زمینهای مزروعی به صاحبان اصلی آنان، دهقانان خواهد رسید. برای رسیدن به هدف باید هشیار و متحد بود. با چشم باز و قلب پرور باید دفاع برخاسته و پرموده امید بخشی، دست در دست هم، متحداً، آماده مقاومت و نبرد بود. اگر ما هشیار و متس باشیم:

پای امریت و صدام حسین و سایر نوکرانش هرگز به ایران نخواهد رسید.

بزرگمالکان هرگز به ایران بر نخواهند گشت. مردم زحمتکش و از جمله دهقانان حتما پیروز خواهند شد.

پیروزیاد جهاد دهقانان ایران بر ضد امریالسم جهانخواه آمریکا دهقانان مبارز!

به بسیج مستضعفان بپیوندید و همه نیروی خود را در اختیار سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی قرار دهید!

مرکز بر صدام حسین و بزرگمالکان و تودالها - وابستگان به آمریکا!

کارگران چندپیشه منطقه قاینات: ماونیزهای اولیه و اساسی روستائیان ودستی کوتاه

بعد از انقلاب کارگران چندپیشه در روستاها آغاز بکار کردند. کارگران چندپیشه، پس از گذراندن یک دوره آموزشی دربارۀ بهداشت، کشاورزی، بیماریهای دامی، ثبت واحوال، بست و تلگرام، سوادآموزی برای بازی و برنامه های عمرانی، در روستاها مستقر به فعالیت برای برآوردن نیازهای مردم می شوند.

کارگران چندپیشه قاینات در جنوب خراسان نیز، پس از اتمام دوره آموزشی، به روستاها آمده و با نیروی جوانی و انرژی انقلابی خود صادقانه فعالیت را در روستاها منطقه آغاز کرده اند. از اقدامات آنها در زمینه راهسازی، تشکیل خوراهای ده، ساختن حمام بهداشتی کردن آب آشامیدنی و موارد زیر را بطور مشخص میتوان نام برد:

در منطقه نیمه بلوک قاش، تیغ اندازی راههای جان میوزا، عباس آباد و بادامک، ایجاد حمام در فرعی آباد، بهداشتی کردن محل برداشتن آب قنات روستاهای بادامک، جان میوزا، تزدآباد و لایروبی قنات بادامک و غیره.

هم اکنون این کارگران درسی تکلمی، سرمیروند. یکی از آنها میگوید:

ما در روستا، ضمن اینکه نماند، وزارت کشور هستیم، رابط بین اهالی و ادارات مختلف از قبیل دامپزشکی و کشاورزی و ... نیز هستیم. کار ما این است که بعضی شاهد ناراضیها، مثلا بیماریهای دامی، در صورتیکه قادر به طرف کردن آن نباشیم، به مقامات مربوطه برای رفع اینگونه نواقص اطلاع دهیم. از آنجا که خودمان برای رفع این مشکلات هیچگونه امکانی در اختیار نداریم، پس عاجزیم و وقتی هم به مقامات مراجعه می کنیم، با میگویند بروید، نماینده ای برای تحقیق خواهیم فرستاد. در صورتیکه خود ما یکی از کارهایمان تحقیق است - با جواب سربالائی میامده اند. آنوقت ما میمانیم و نیازهای اولیه و اساسی روستائیان و دستی کوتاه.

یکی دیگر از این کارگران میگوید:

"فرمانداری محل مدت زیادی است ما را مطلع نگه داشته و گفتند که تکلیفات اول مهر روشن میشود. چند نفر از ما راهدارانی و بانک کشاورزی فرستادند، در حالیکه این عمل، با هدفی کمابرای آنستخدام کرده اند، منافات دارد. مشکلات روستائیان زیاد است ما آنها را نمیکنیم و اداره های ذیربط باید بسا همکاری کنند.

اگر این جوانان انقلابی و مسلول برای کارگزاری و حل مشکلات روستاها استخدام شده اند، باید بطور جدی با آنها همکاری شود. بانوجه مشکلات زیاد و کمبودهای اساسی و فقر شدید در منطقه، تأثیرات و بطور کلی جنوب -خراسان، لازم است کارکنان امکانات برای برآوردن نیازهای اهالی روستاها منطقه استفاده کرد. باید به این جوانان روشور و انقلابی امکان آبراداد که همان طور که میخواهند، مادقانه و جان برک به مردم بیس خود خدمت کنند. این ضرورت مبرم انقلاب ضد امریالیستی و خلقی ایران است و باید مطابق رهنمود های مکرر و موکد رهبران انقلاب، امام خمینی، در این زمینه، بدان پاسخ مثبت داد.

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی ب موقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی های بسازید

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی ب موقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی های بسازید

دولت باید محصولات دهقانان را به قیمت منصفانه خریداری کند

رسیده ای که سالها زیر دست اربابان کشت نمی شد، اکنون با مشارکت ما زیر کشت رفته است، ولی هر روز از کمیته ۵ نفری با حکم دادستانی می آیند که باید زمین را پس از کشت تحویل دهید.

در این میان همه نیروهای انقلابی حاضر به همه گونه همکاری با کشاورزان هستند. جوانان، و منجمله جوانان توده ای، آنگاه از عشق و ایمان به انقلاب، در فصل جمع آوری محصول، به روستا های اطراف تهران رفتند، تا برای درو و جمع آوری گندم به اهالی کمک کنند.

امید است که دولت انقلاب در حل مشکلات کشاورزان چاره جویی سریع کند. اجرای قاطع قانون اصلاحات ارضی در روستاها، یعنی واگذاری قطعی اراضی به دهقانان بی زمین و کم زمین، به طوری که آنان برای همیشه مطمئن باشند که زمین دیگر مال آنهاست. جزو وظایف مهم و مبرم مسئولین به شمار می رود.

دولت انقلاب قادر است برای تعیین قیمت عادلانه محصولات دهقانان، که به سود آنها و سود رشد کشاورزی تمام شود، دست به ایجاد شرکت های تعاونی تولید، توزیع و مصرف بزند. این عمل در جای خود، هم به سود کشاورزان زحمتکش است و هم شر دلالتان و مستکران زالوصفت را از سردهقانان کم می کند و نیز به ضد انقلاب فرستخته انگیزی نمی دهد.

دست زمین خواران را از شهرک باورس کوتاه کنید

شهرک باورس (زهابشهر) در ۱۴ کیلومتری جاده قزوین - تهران قرار دارد. مطالبات ساختنی این شهرک از چند سال پیش آغاز شد. متناکون حدود ۴۰ دستگاه ساختمان بنا شده است. جدول بندی و خپابان کشتی در دوران قبل از انقلاب انجام شده بود. لیکن بعد از آن هیچگونه عملیاتی انجام نشده است. بعد از انقلاب، طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات، ۴ قطعات ۷۵۰ متری که در سابق تقسیم شده بود، با نقشه های جدید به قطعات ۳۰۰ متری تبدیل شد. زیرا اولاً متقاضی زمین زیاد بود، ثانیاً ساخت قبلی آنچنان بود که افراد کم درآمد حتی قادر به دیوارکشی اطراف زمین هم نبودند.

به پیشنهاد عمران اراضی شهری به جهت سکونت کارگران شهر صنعتی، نقشه های جدید فراهم شد و برای تصویب به وزارت مسکن و شهرسازی بخش "شهرکها" ارسال شد. متأسفانه مسئول آن قسمت زمین خوارانی را که سرمایه داران بزرگ تهران هستند مالک اصلی دانست و با "دلایل" زیادی موانع جدو در حل مشکل مسکن کارگران فراهم ساخت. بعد از مراجعات فراوان و ملیرضم تلاش کانون شوراهای اسلامی شهر صنعتی و پیگیری عمران اراضی شهری، به دلیل وجود عناصر غیرانقلابی و سلطه کاذب بازی هنوز کار بجای نرسیده است و با وجود دستور صریح وزیر مسکن و شهرسازی، از اجرای این عمل انقلابی ممانعت می شود. با توجه به اینکه فصل باران و سرما نزدیک است، لازم است مسئولین امر موافقت فوری خود را اعلام کنند و موانع را مرتفع سازند.

رویدادهای ایران

هشدار در مورد پایگاه جدید خرابکاری خسرو قشقایی

اهالی منطقه ریز (انارستان)، قلمکینه، پترو (هنو) ضمن ارسال نامه ای به دادگاه انقلاب و سپاه پاسداران بوشهر، در مورد تفریق دارودسته خسرو قشقایی به کوه های نزدیک این منطقه و درآوردن نقاط مذکور به صورت پایگاه متجاوزین، به مقامات مسئول هشدار دادند.

در این نامه، که به اضافه تعداد زیادی از ساکنین منطقه رسیده، آمده است:

این منطقه، که کاملاً اطرافش کوه قرار گرفته، از هم اکنون متاثر قشقایی جهت دانداری به کوه های نزدیک محل مراکز (دهاند) و چند مازستان را در آنجا به سر می برند. لذا بی شک این منطقه از طرف خسرو قشقایی و دار و دسته همراهش تهدید می (کند) و کوه های منظر به صورت پایگاه برای متجاوزین قرار می گیرد و متاثر ساده لوح را بخون تردید به همکاری دعوت می کند. آنوقت ضمن بهمه پاسیده شدن امنیت منطقه، احتیام و جان و مال و زندگی مردم در خطر می باشد. بلهینذا مردم این منطقه برای جلوگیری و پیش بینی های لازم، خواستار استقرار یک سپاه از پاسداران هستند تا با کتک آنها این متاثر پلید و جیره خوار اجنبی را سرکوب و کلبه توطئه های آن ما را در منطقه غرق کند.

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی ب موقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی های بسازید

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی ب موقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی های بسازید

منافع جامعه انقلابی بر منفعت فرد و خانواده مقدم است

باید کوشید که معیار قضاوت خود خواهانه و فزون خواهی مصرفی، جای خود را به معیار قضاوت جامعه دوستانه و خلاقیت تولیدی بدهد

دوام هزاران ساله سلطنت استبدادی یکی از دلایل انحطاط اخلاقی در جامعه ماست. بر اساس - جامعه شاهنشاهی با فردی که خود را نماینده خدا بر روی زمین می خواند، در واقع چه کسی بود؟ قدری خودخواه، که همه کشور را می چابید و باطل خود را به زور آتش و شمشیر بر حق دیگران مسلط می خواست و مظهر خود پستی و در عین حال مجسمه زورگویی و غارتگری بود.

به ویژه در قریبهای نوزدهم و بیستم میلادی، خاندانهای قاجار و پهلوی در ایران غوغا کردند. برخوردار آنها به این کشور و مردمش، برخوردار به وطن خود نبود. برخوردار آنها برخوردار به سرزمینی بود که بایدش چابید و مردمی بود که بایدشان لخت کرد و برده ساخت. آنها این خلق را نه فقط از هر جهت که فکر کنید وسیله سلطه و متع خویشتن قرار می دادند تازه می کوشیدند آنها را به پست ترین چالپوسی ها و رذالت ها و خود شکنی ها نیز وادارند. تا شخصیت انسانی همه را خرد کنند. اصطلاحات نوگر و چاکر و بنده و جان نثار و حقیر و مخلص، عسادی ترین اصطلاحی بود که می باید مردم در برابر خود بکار برند. ولی خودشان هر کدام یک قطار بار کشتی القاب و عناوین را بپدک می کشیدند. می بایست پای هر شاهزاده نثری را بوسید و اگر او در پاسخ این خاکساری، دشنامی می داد، مین "تغذ" بود و بایست شکرگزاری ها کرد!

یکی از مورخان معروف و محاصر معاصر کتابی در افشا زندگی شاهان قرون وسطایی و دربارهای پر - ششمی مانند دربار روسای در زمان لویی چهاردهم و لویی پانزدهم دارد. که خواندنی است. از جمله چون قصر روسای فاند آبریزگاه بود. برای لویی - چهاردهم (که خود را پادشاه خورشید می نامید) سندلی خاصی که مطلقاً "لاشر" (یعنی سندلی) نام داشت می آوردند. تا قبله عالم قضای حاجت کند و آنهم گاه در حضور درباریان! متصدی سندلی لقبی داشت مثلا مانند "دوک حامل سندلی" و البته که به این مقام و به این لقب سخت می بالید. همین دوک حامل سندلی، چه زورها که می گفت و چه غارتها که می کرد و چه بسیار مردم شریف و فهم که می بایست به نوبه خود تعلق او را بگویند.

ذبح بهروز در نمایشنامه جیکمیلشاه، تقریباً نمونه ایرانی این صحنه را نشان داده است. در این نمایشنامه شخصی است خشن و بی سواد و ابله به نام "وزیر دوپ" که مسئول اسطبلهای -

ناصرالدین شام است و این وزیر دوپ، به مردم محترمی به نام "میرزا بزرگ" که منتی اوست، چه زورها که نمی گوید، و وقتی ناصرالدین شاه دستور می دهد که به مناسبت آمدن سفیر بلژیک میرزا بزرگ را آماده کنند و روی آن طاق شال و لاله بگذارند. او میرزا - بزرگ بیچاره را به خم شدن و امیدارد و طاق شال و لاله را روی پشت او می گذارد!

در چنین جوامعی، اخلاق درباری، به دیگران سرایت می کند. به قول میرزا آقا خان کرمانی، وقتی مردم می بینند کسی "میرغضب باشی" است و همه از او می ترسند و او دارای همه امتیازات است، ناچار همه هوس میرغضب شدن می کنند. با - مصیبتشان از اینست که چرا میرغضب باشی نیستند و تنها میرغضب مادی هستند.

در چنین جوامعی کار نگردن، ولی برخوردارن، طفیلی جامعه بودن، گور پدر همه! گفتن، "من چه؟" را تکرار کردن، از زیر بار وظایف و تکالیف خود در رفتن، ولی حقوق و مزایای خود را باحتیاج طلبیدن، به منافع جمع بی اعتنا بودن، گسترش می باید. جامعه مانند درگاه است. وقتی فرد می بیند در جامعه تنها زور و تمیزی حکم رواست، اعتناش زائل می گردد و خودش خم هرننگ جامعه می شود، مگر آنکه دارای جوهر انسانی نیرو مندی باشد. که خوشبختانه اکثریت مردم چنین جوهر - انسانی را دارا بوده اند و هستند.

انسانها به فطرت نیک زائیده شده اند. اگر در جامعه عدالت و حق پرستی ببینند، بسیار نادردن کسانی که علی رغم آن، به راه فساد بروند. ولی متأسفانه در جامعه خود خواهانه و مصرفی محمد رضا شاه این روحیه نیک باقیست. ساواک به همه با داد داد: "به شما چه که به کار دیگران دخالت می کنید؟ هر کسی در فکر خودش باشد! اگر دزدی کنید این میبندارند، ولی اگر کتاب بخوانید این دیگر خیلی خیلی بد است!" بقدری در این کشور، البته در لایه های پایین بالائی، این مطلب، که هر کسی باید در فکر خود و زن و بچه اش باشد، تدبیری حساب می شود، که چیزی از آن بدبختی نیست. غیر از این دیوانگی است. آنها هرگز بگوشتان نخورده که وظیفه انسان اول در طلب انسانیت و به ویژه جامعه کشور خود است. سپس خود و خانواده، زیرا اگر خانواده در حفظ و پرورش فرد نقش دارد، این نقش را جامعه هزاران برابر بیشتر ایفا می کند. بدون کار کارگران

و دهقانان و پشهوران و آفرینش قشرهای مختلف - روستاگران جهان و ایران، آن آقای خود پستی که در خنکای "گولر" روی میل نرم، در روشنائی لوستر مجلل لمیده، مویه خنک شده می خورد، به موسیقی گوش می دهد و کتاب می خواند، چه وسیله ای داشت؟ حساب کند که همان محیط عادی روزمره او را چند - هزار نفر دهقان و شبان و کارگر و مهندس و هنرمند و دانشمند از چند کشور فراهم ساخته اند؟ بنشیند و مداد کاغذ بردارد و حساب کند! حالا چطور است که او فقط در مقابل خانم و بچه های مسئول است و آنهم بدین معنی مسئول است که با هر نزدی و حیزی که باشد، با سطر راحت آنها را فراهم کند، ولی در - مقابل این هزاران شیخ نامرئی که او را احاطه کرده اند به خاطر صلح و امنیت آنها، به خاطر آزادی و رفاه آنها، به خاطر حقوق بشری آنها مسئول نیست؟ دیگر ما از نقش تسلیهای پیشین و از اشباح خون آلود شهیدان سخن نمی گوئیم. منظره لیزاننده است. در برخی از اختلافات کار، که در ادارات و موسسات صنعتی این روزها روی می دهد، وقتی کسی می گوید:

ما باید مثلا فلان میزان کار را به مهده بگیریم زیرا این برای پیشرفت جامعه مادر شرایط کنونی ضروری است، برخی ها، مثل آنکه بیشتر می خورند، از - جابرمی چسبند: "مجب فرقیاتی؟ برای پیشرفت جامعه! من زیاد تر کار کنم که جامعه لازم دارد؟ چنین به من چه که چه کسی چه چیزی لازم دارد؟ چنین افرادی در واقع می گویند: "من باید بیشتر کار کنم، ولی زیاد تر حقوق بگیرم. اینست قانون مقدس قابل قبول برای من"

او را اینطور بار آورده اند. به علاوه محیط - فاسد اینها، شاید علی رغم میل خودش، به او یاد داده است. گویا جایی فداکاری و گذشت از منفعت خود، به خاطر دیگران، ندیده است. همه اش حسابگری به سود خود! همه اش از زیر تکالیف خود در رفتن!

ولی در کشور ما انقلاب شده است. همه به چشم دیدیم که چگونه متران و پسران و نوبل و گان، چگونه کارگران و دهقانان و زحمتکشان، بدون حساب جان وارد صحنه نبرد با استبداد و استثمار شدند. امروز نیمی بنیم که چگونه هزاران نفر از آنها برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان بازی می کنند و میلیون ها نفر آماده جان بازی هستند. اینها سوراخ یک دوران معنوی تازه در جامعه ماست. سر - آغاز دوران فداکاری و ایثار، دوران به ما می اندیشیدن، دوران منافع خود و خانواده را در سایه منافع جامعه و جمع گذاشتن.

امروز انقلاب به اعتصابهای مصرفی نیاز ندارد. به فداکاریهای تولیدی نیازمند است. ما در خطاب به همه کارگران و کارمندان می گوئیم: این حق شماست که برای حقوق قانونی و انسانی خود با سر سختی مبارزه کنید. ولی این تکلیف شماست که این مبارزه را در چهارچوب منافع کل انقلاب، کل جامعه، در چهارچوب منافع بزرگتر خودتان انجام دهید و در افق تنگ باقی نمانید!

در آمیختن منطقی حق و تکلیف، چنین است وظیفه انسانی و انقلابی

در جهان سرمایه داری

مصرف سرانه مواد اولیه غذایی در مارتان

مواد غذایی	۱۳۲۹	۱۳۵۷
گوشت (کیلوگرم)	۲۷/۶	۷۲
شیر (کیلوگرم)	۱۱۲	۱۵۵
نخم مرغ (دانه)	۱۶۰	۲۲۰
روغن نباتی (کیلوگرم)	۰/۸	۶
شکر (کیلوگرم)	۲۶/۶	۲۲

در ضمن، مصرف نان و فرآورده های نانوی از ۱۳۶ کیلوگرم در سال ۱۳۲۹ به ۱۱۸ کیلوگرم در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت.

در جهان سرمایه داری

آفریقای جنوبی، یکی از بزرگ ترین زرادخانه های امپریالیست هاست

چندی پیش پتروپول بوت، نخست وزیر آفریقای جنوبی، ضمن ترمیم کابینه خویش، ست وزارت دفاع را، که سابقا خود به مهده داشت، به ژنرال مالان سپرد.

این رویداد، همراه با اعلام بودجه نظامی ۱۹۸۰/۸۱، که بالغ بر دو میلیارد رند می شود، بار دیگر انظار را متوجه ماشین نظامی دولت تجار کار آفرین می کند. این کشور، چنانکه "جایا" ارگان "کنگره ملی آفریقا"، چندی پیش در یک رشته مقالات فاش ساخت، ارتشی مرکب از ۵۰۰ هزار نفر پولیسی متشکل از ۱۰۰ هزار نفر در اختیار دارد. این ارتش، "بکان های کماندوی سیار، مجهز به وسایل زرهی "پنهارد"، "امی ۹۰" و "آمل"، نقش ویژه ایفا می کنند. در بعضی واحدها نیز تانکهای "ستوربون" و "آکس ۱۳" و تانک اسرائیلی "مرکونا" بکار می - رود. نیروی هوایی آفریقای جنوبی جنگنده ها و بمب افکن های مدرن و به خصوص هلیکوپترهای رزمنده فراوان در اختیار دارد. در سالهای پیش، نیروی دریایی آفریقای جنوبی نیز با مخارج سنگین، باز - سازی شده است.

حتی به تازگی تحریم جنگ افزارها از سوی سازمان ملل متحد، کنسین "آرمرگور" (از منضمزبولوب - پنتاندر پرودوسینگ کورپوریشن) یکی از مهم ترین تولیدکنندگان اسلحه برای دولت آفریقای جنوبی بشمار می رفت. این کنسین درآمد خود را در ده سال پیش از ۳۲ میلیون رند، به تقریباً یک میلیارد رند افزایش داده است و، به گفته مدیر آن، به تازگی "بخشی از اثبات و تسلیح خدمت آن قرار دارد". "آرمرگور" بر نه شرکت دولتی و ۲۰ هزار کارگر و کارمند نظارت دارد. چنانکه هزار کارخانه خصوصی را نیز در نظر بگیریم، که "آرمرگور" از آنها تولید خام و لوازم بدکی دریافت می کند، باید بر این رقم ۱۰۰ هزار تن دیگر افزود. امروزه آفریقای جنوبی، به برکت همکاری دیرینه با شرکت های کشورهای عضو "ناتو"، جزو ده تولیدکننده بزرگ کشورهای غربی بشمار می رود و هواپیماهای جنگنده مدرن، تانک ها و سلاحهای موشکی گوناگون تولید می کند. آفریقای جنوبی، به علت داشتن منابع اوران و راکتور، حتی می تواند به تولید جنگ افزارهای هسته ای بپردازد.

نام نیک

آیا کسی حق دارد انقلاب بزرگ ایران را، به این طت که زمینه مساعد جهانی مهده داشته، از ریشه اصلی خود، کهاراده ردها میلیون مردم متحد مهده ایران برای رهائی از اسارت امپریالیسم و قارت کاخ نشینان است، جدا سازد و آن را به تاثیر زمینه مساعد جهانی منحصر کند؟! البته خیر! چنین عملی همین اتنا - فی، هم دور از حقیقت و هم ضد طی و ضد انقلابی خواهد بود، چنین نتیجه گیری کار را به گمراهی می گفاید.

پس خلق مستضعف و آزاده و منافع او را باید همیشه در مرکز تاریخ دید و از اسارت اندیشه های که خلق را هیچ می شمرد، و "بند بازی" های سیاسی اینو آن را راهنمای تاریخ می داند، نجات یافت.

(ادام دارد)

توضیح وزارت نفت

در باره خبری که تحت عنوان: احیای ریخته گری پالایشگاه آبادان یک ضرورت مرم و یک وظیفه انقلابی است، در نامه مردم، شماره ۲۲۶، مورخ ۵۹/۶/۱۵ چاپ شده بود. روابط عمومی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، طی نامه ای به شماره ۳۰۲/۱۹۷/۱۳، مورخ ۵۹/۶/۲۲، توضیحی داده است که در زیر مینا درج می گردد:

"خبر شروک شدن کارخانه ریخته گری پالایشگاه آبادان پس از انقلاب به هیچ وجه صحیح نیست بلکه حدود پانزده سال قبل کنسرسیوم نفت تصمص به تعطیل این واحد صنعتی گرفت. پس از به ترمیم شدن انقلاب اسلامی ایران مقرر گردید اداره بازرسی عمومی پالایشگاه آبادان از لوله های ریخته گری بازرسی به عمل آورد و در نتیجه تعدادی از لوله های فرسوده هم چنین مخزن مافای گاز تعویض گردید.

در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۵ کار تعمیرات ماشین آلات ریخته گری آغاز و نواقص آنها مرتفع گردید. همچنین انتصاب آب مصرفی ریخته گری و کار لوله کشی آن همزمان با تا - مین شن مورد احتیاج ریخته گری انجام شد.

در اردیبهشت ماه سال ۵۹ تصمص گرفته شد که کسود ماشین آلات و وسایل ریخته گری موجود طوری فراهم گردد که ظرفیت محصولات آن از حدود دوتن در ماه به شش تن در مرحله اول و بالاخره به دوازده تن افزایش یابد. از طرفی کارگران سابق ریخته گری که مالمبا در قسمت های مختلف پالایشگاه به کار اشتغال دارند شناسائی شده اند که ترتیب انتقال تعدادی از آنها برای همکاری و استفاده از تجربیات آنان داده می شود.

"

شوخی نیست...

بازاریب المللی خبر تحت نفوذ چند کپانی - است. این کپانیها عبارتند از آخوشتید پرس، یونایتد پرس، آژانس فرانس پرس، خبرگزاری آلمان. همه این کپانیها بطور کلی در اختیار سرمایه داران بزرگ جهانی هستند...

(کپان، صفحه ۵، ستون اول و ششم) البته صفحه ۵، فقط خبریاد شده درباره لهستان را که منبع آن خبرگزاریها، یعنی همان خبرگزاری بزرگ یاد شده در صفحه ۵ هستند، افشا نمی کند. در همین صفحه ۱۴، سهم خبر - گزاریهائی که از آنها به رستی به عنوان بلندگوی سرمایه داران بزرگ جهانی نقل شده، باین ترتیب است:

خبرگزاری فرانسه: ۷ خبر
آخوشتید پرس: ۲ خبر
یونایتد پرس: ۲ خبر
خبرگزاریها: ۵ خبر

و بالاخره صفحه ۵، فقط صفحه ۱۴ را افشا نمی کند، تمام خبرهای بین و چنان کپان را هم افشا نمی کند. دست صفحه ۵ درد نکند.

صفحه ۵، صفحه ۴ را افشا می کند!

ارتقای روزگار خیلی از اوقات است که سلفان دوره های بزرگ، دست خودشان را رو میکنند باعث زحمت دیگران نمیشوند. صفحه ۵ کپان که در روز پنجشنبه ۲۷ شهریور صفحه ۱۴ آن را تکیه بیکند، از این جمله ضایا است:

"تلاش حزب کمونیست لهستان برای رشوه دادن به رهبر کارگران اعتصابی (کپان، صفحه ۱۴، ستون ۹) و در اظهار نظر رسمی کپان، در صفحه ۵:

"امپریالیسم جهانی با شبکه عظیم و گسترده خود در سراسر دنیا، ذهن و اندیشه ما را به بند میکند. خبرگزاریها، ماهواره های تلویزیونی و شبکه های رادیویی وابسته به امپریالیسم و ذهن بسیاری از مردم دنیا را قضا کرده اند. تحریف اخبار و جعل رویداد های خبری شیوه و تکنیک کار خبرگزاریهای امپریالیستی است. وسایل ارتباط - جمعی آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی در جهت ضایع سرمایه داران بزرگ گام بر میدارند. اخبار را به دلخواه صاحبان زور و سرمایه تحریف میکنند و بسا شیوه های گوناگون به تمحیق و تشدید از هان مردم کشورهای جهان سوچیدارزند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محتکران است

مسئول غرفه شوروی در نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران به خبرنگار «نامه مردم» گفت: اتحاد شوروی در ایران مؤسسات تولیدی احداث می‌کند * مذاکراتی با ایران در حال انجام است، که ما امیدواریم بتوانیم قراردادهای دوجانبه‌ای با ایران داشته باشیم.

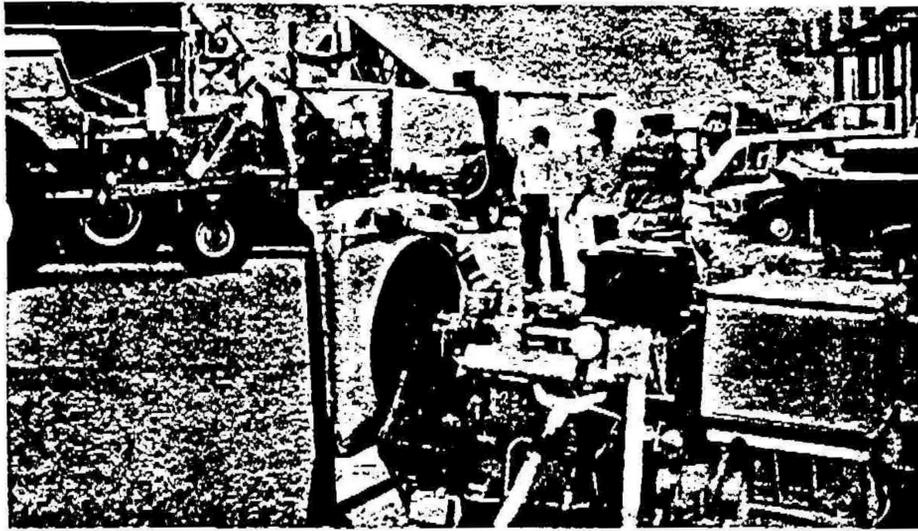
وسایل مختلف تولیدی فرآورده‌های صنایع کشاورزی و هیئت‌های ماکت‌های از کارخانه‌های مختلف شوروی در غرفه این کشور، که بزرگترین غرفه نمایشگاه است، عرضه شده است.

در قسمتی از این غرفه، دستگاه‌های تراشکاری، ریخته‌گری، سیل فلزات، دستگاه‌های ورق‌بری، چوب تراشی و لوازم یدکی و محصولات که این دستگاه‌ها تولید می‌کنند، دیده می‌شود.

در قسمتی دیگر از نمایشگاه وسایل الکترونیک و کامپیوتری قرار دارد که چند دستگاه کامپیوتر کوچک و بزرگ و ماکت یک مرکز کامپیوتری در آن چشم می‌خورد. همچنین وسایل الکترونیک برای آموزش در دبیرستان و دانشگاه و دستگاه‌های الکترونیک برای آزمایش‌های پزشکی در این غرفه عرضه شده است.

در جاتی دیگر از غرفه اتحاد اتحاد شوروی، منسوجات و صنایع دستی مردم شوروی قرار دارد که به شکل بسیار زیبایی ارائه شده است. بازدیدکنندگان می‌توانند در این قسمت از انواع پارچه و توری‌های دستی و ماشینی دیدن کنند.

در غرفه اتحاد شوروی همچنین ماکت‌های بزرگی از کارخانه‌های ذوب فلزات و تبدیل مواد مذاب به ورقه‌های آهن و هیئت‌های کارخانه‌های تولید فولاد (کوروتور) به معرض نمایش گذاشته شده است.



گوشه‌ای از غرفه وسیع اتحاد شوروی، که در آن صنایع کشاورزی عرضه شده است.

قسمتی از غرفه اتحاد شوروی به جمهوری ازبکستان شوروی اختصاص داده که در آن ماشین‌های پنبه - پاک‌کنی، دستگاه‌های نخیسی، پنبه جمع‌کنی ساخت ازبکستان شوروی دیده می‌شود. همچنین نمونه‌هایی که در مزارع ازبکستان به عمل می‌آید، عرضه گردیده است. در کنار آن ماکت‌هایی از کارخانه‌های پارچه بافی، نخیسی، آبرسانی و پنبه کاری قرار دارد.

در قسمتی از این غرفه ماکت خانه یک خانواده از مردم ازبکستان، که طرز زندگی و لوازم داخلی یک خانواده را نشان می‌دهد، به نمایش گذاشته شده است. همچنین در

قسمتی از غرفه اتحاد شوروی به جمهوری ازبکستان شوروی اختصاص داده که در آن ماشین‌های پنبه - پاک‌کنی، دستگاه‌های نخیسی، پنبه جمع‌کنی ساخت ازبکستان شوروی دیده می‌شود. همچنین نمونه‌هایی که در مزارع ازبکستان به عمل می‌آید، عرضه گردیده است. در کنار آن ماکت‌هایی از کارخانه‌های پارچه بافی، نخیسی، آبرسانی و پنبه کاری قرار دارد.

اختصاصی یا خبرنگار نامه مردم» گفت:

قراردادهای بین ایران و شوروی بسته شده است. ما امیدواریم که قراردادهای متقابل دیگری بین دو کشور بسته شود.

آقای فاکسی و ساخاروف، رئیس اتاق بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی، که مسئولیت غرفه اتحاد جماهیر شوروی را نیز برعهده دارد، در مورد شرکت در این نمایشگاه گفت:

در صنایع سنگین و سبک، تلمه‌خانه و پمپ برای آبیاری به مزارع، انواع تجهیزات برای بسته آوردن آب از زیر زمین، وسایل کشاورزی، ماشین‌آلات، تجهیزات ذوب آهن، و بطور کلی صنایع سنگین و سبک می‌تواند بخشی از صادرات کشور ما بشمارد.

وی در ادامه سخنان خود گفت:

«چندی پیش از طرف رئیس کمیته روابط اقتصادی شوروی، قراردادی با ایران بسته شد، که ساختن و مؤسسات تولیدی در ایران ساخته شود. همچنین از طرف هیئت بازرگانی خارجی شوروی لایحه «گرتشین» با هیئت ایرانی در مسکو مذاکراتی برای بستن قرارداد انجام شده است.»



آکسی و ساخاروف، مسئول غرفه شوروی در نمایشگاه تهران

وی در مورد حجم تولیدات اتحاد شوروی گفت:

در حال حاضر شوروی تمام کالاهای جهان را تولید می‌کند. حجم تولیدات شوروی از سال ۱۹۵۰، ده برابر بیشتر شده است.

مسئول غرفه اتحاد شوروی در مورد اینکه آیا از طرف مقامات مسئول اقتصادی ایران در مورد خرید کالا، های موجود در این غرفه گفتگویی شده است، گفت:

«مذاکراتی در حال انجام است، که ما امیدواریم بتوانیم قراردادهای دوجانبه‌ای با ایران داشته باشیم. مسئول غرفه اتحاد شوروی در پایان، موفقیت انقلاب ایران و مردم ایران را در کار و زندگی آرزو کرد.»

مسئول غرفه مسلمانان اتحاد شوروی در نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران:

از مردم ایران دعوت می‌کنیم برای آشنایی با زندگی مسلمانان شوروی به کشور ما بیایند
* آزادی برگزاری مراسم دینی برای همه مردم شوروی، از جمله مسلمانان، کاملاً محفوظ است.

هر روز هزاران نفر از مردم مسلمان ما در غرفه مسلمانان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران، از جاذبه‌های متعدد «قرآن» به زبانهای عربی و فارسی، که به معرض نمایش گذاشته شده است، دیدن می‌کنند. در این غرفه عکس‌ها و پوسته‌هایی از مردم مسلمان جمهوری ازبکستان شوروی هنگام نیایش و برگزاری مراسم مذهبی دیده می‌شود.

در غرفه مسلمانان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که بسیار مورد توجه بازدیدکنندگان است، نمایشگاه قرار گرفته است، که مسافران از رهبران مذهبی مسلمانان شوروی بیخشم می‌خورند که آنها را در مساجد هنگام برگزاری مراسم دینی، نشان می‌دهند. همچنین عکس‌هایی از مردم مسلمان شوروی دیدنی - شده است، که آنها را هنگام دیدار از رهبران مذهبی خود نشان می‌دهند. یکی از عکس‌هایی که در غرفه مسلمانان شوروی بیخشم می‌خورند، کودکی هستند که کنار هم مشغول خواندن نمازند.

عبدالواهب عیاضی، مسئول غرفه جمهوری ازبکستان در نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران، در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار نامه مردم گفت: دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حقوق و منافع

مردین را محترم بشمارد و این اصل است که در قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آمده است.

مسئول غرفه جمهوری ازبکستان که خود نیز مسلمان است، در مورد نحوه زندگی مردم مسلمان اتحاد جماهیر شوروی گفت:

«در اتحاد شوروی، در جمهوری‌های آسیای میانه، گلزارستان، آذربایجان، ازبکستان و در جمهوریهای خودمختار تاتارستان و باشقیرستان، مسلمانان زیادی زندگی می‌کنند که برای آنها در این مناطق هزاران مسجد دایر شده است. در مسکو و لنینگراد مساجد بزرگی برای مسلمانان ساخته شده است که مردم مسلمان می‌توانند در آنجا مراسم دینی خود را برگزار کنند. همچنین در تمام شهرها و روستاهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مساجد و مکانهای مذهبی دایر است.»

وی در مورد رهبر مسلمانان آسیای میانه گفت: رهبر تمام مسلمانان جمهوری‌های ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، تاجیکستان همفکر بنام‌الدین شام



گوشه‌ای از غرفه مسلمانان اتحاد شوروی در نمایشگاه تهران

پوسته جدید چاپ می‌شود و در اختیار مسلمانان مذهبی قرار می‌گیرد. وی در مورد اینکه مسلمانان شوروی در مورد افغانستان چه نظری دارند، گفت:

هر کدام از سازمانهای مذهبی از جمله مسلمانان، کتاب‌های تشریفات خود را دارند. این تشریفات شامل مجلات دینی، تواریخ مذهبی، کتابهای دینی از قبیل قرآن و تفسیر قرآن است. این تشریفات

بایاخنه است. در تمام جمهوری‌ها، مسلمانان علاوه بر اوقات به سازمانها و رهبران خود دارند. مسئول غرفه جمهوری ازبکستان در مورد تشریفات و کتابهای مذهبی مردم اتحاد شوروی گفت:

مسلمانان شوروی خواهان ایجاد صلح و امنیت در تمام دنیا، از جمله در افغانستان هستند. مسلمانان شوروی معتقدند که حضور نیروهای شوروی در جمهوری دمکراتیک افغانستان به خاطر ایجاد صلح و امنیت کشور افغانستان است. ما هیچ متخنی نداریم. کسر بزرگان ما در خاک همایه یک ما افغانستان باشد ولی حضور سربازان شوروی به خاطر تجاوزاتی است که از خروج برای منهدم کردن جمهوری دمکراتیک افغانستان صورت می‌گیرد.

مسئول غرفه جمهوری ازبکستان در خانه سخنان خود گفت:

مردم مسلمان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مورد انقلاب ایران نظر مساعدی دارند و از مردم ایران پشتیبانی می‌کنند. ما هسانگان طبعی هستیم، چون دارای یک فرهنگ و یک آب و هوا و آسمان هستیم. ما امیدواریم که مناسبات دوستانه بین مردم ایران و مسلمانان اتحاد جماهیر شوروی روز به روز بیشتر شود. ما از مردم ایران می‌خواهیم که کاز جمهوری‌های آسیای میانه و مسلمانان تئین اتحاد شوروی دیدن کنند. ما از نزدیک به طرز زندگی مسلمانان شوروی آشنا شویم.

آزاد گشته و هر از چند ساعت و یا چند روز جان سپرده است. علت آنستکه در زندانها در غذای پاره‌ای از زندانیها جویوه ریخته می‌شود، که باعث مسمومیت تدریجی آنها می‌گردد. اخبار روزهای گذشته حاکی است که ۱۹ مبارز کرد کمونیست و میهن دوست را در زندان موصل اعدام کرده‌اند. آنها نخستین گروه محکومین به اعدام هستند، که شمارشان از صد متجاوز است. ترور و شکنجه دو هراتی بی‌داده می‌کند و از جمله جان‌های بی‌شاری از زندگان زندانی را بخاطر می‌اندازد. مردم شرانندند مراسم جهان و نظیفه دارند که در هر ابر دردمندی های دارو دسته بشی عراق به اعتراض برخیزند و آنها را از ادامه آدم کشی بازدارند. ما از همه دوستان خلق عراق در سراسر جهان و از همه کسانی که به دفاع از حیثیت و حقوق انسانها ارج می‌نهند، خواهش می‌کنیم که بانکه اعتراض خویش را علیه کشتار بهترین زنان و مردان عراق و بخاطر آزادی عاقله یاسین (ام‌علی)، مبارز کمونیست، و همه مادران و زنان قهرمانی که در زندانهای عراق هستند، بلند کنند. ما چشم بر راه هستی شما مبارزان علیه ترور و استیلا هستیم. چه این هستی هم اکنون جان بسیاری از زندگان قهرمانان و از دست‌درخشان عراق را نجات دهد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

آزادی عاقله یاسین (ام‌علی)، مبارز کمونیست، و دیگر میهن پرستان زندانی را خواستار شوید!

فرزندان بهر دست خلق عراق و میهن عربی!

مردم شرانندند و بیدار جهان!

روز ۲۴ تیر ۱۳۵۹، ما موروث سازمان امنیت عراق، در یکی از خیابانهای بغداد، مبارز کمونیست نامدار و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، عاقله یاسین (ام‌علی)، را ربودند. از آن هنگام تاکنون، اطلاعاتی از سرنوشت وی در دست نیست. رویداد نامبرده دنیای کارزار گسترده بازداشت و آدم‌ربانی است که در ماههای گذشته سراسر عراق را فرا گرفته است. در این مدت، مدعا کمونیست و دمکرات دوشهرهای بغداد و بصره بازداشت و زندانی شده‌اند. در این زمینه، میتوان، برای نمونه، از لیلی یوسف، رجاء عبدالعزیز، کلاره یوسف، سامیه شهبلی، صبیحه شعری و همسرش، عبدالرزاق احمد، و دهمادی، عبدالستار زبیر، جهاد مجید و دهها تن دیگر نام برد.

دستگاه‌های سرکوبگر رژیم، هنگام بازداشت میهن‌دوستان، آشکارترین و ابتدایی‌ترین اصول و هرفت معمول را تقصیر میکنند و در اغلب موارد دحیات آنها را مورد خطر جدی قرار می‌دهند. اخبار گوناگونی، که جستجوگر بیخسته از بازداشتگاهها بخارج میرسد، حاکی از آنست که بازداشت شدگان به وحشیانه‌ترین گونه شکنجه جسمی و روحی می‌شوند. در برخی موارد همه افراد خانواده را، به بهانه فرار سربست آنها و مجبور ساختن او به بازگشت، بازداشت می‌کنند. انواع شکنجه، مانند شلاق، نهداشتن زندانی‌ها در سلول‌های فوق‌العاده سرد و هاگرم و شوک برق، اغلب به هم‌مرکز آنها می‌انجامد. برای نمونه، میتوان از عبدعلی هبید کلرگر کمونیست، نام برد، که جسد بیجان و شکنجه‌دهنده او را تسلیم رژیم به‌اش کرده‌اند. این سرنوشت همچنین در مورد عمام صاحب‌خلفه دانش‌آموز کاتبیه تکرار شد. بارها اتفاق افتاده که بازداشت‌شده،

